

درس چہارم

طوطی و بقال

مفہوم مالکیت

۱) بود بقالی و وے را طوطی ای

در دکان بودے نگهبان دکان

یا انسان‌ها سخن می گفتند (در خطاب آدمی، ناطق بدے)

پدید بست از صدر دکان سویی گریخت

۵) از سوی خانه باید خواجہ اش

دید پُر روغن دکان و جسامہ چرب

رو زک چندے سخن کوتاہ کرد (حرف نزد)

ریش برمی کند و می گفت: «ای دریغ

ک: پیشیمانی و افسوس (شدت اندوه)

دست من بشکستہ بودے آن زمان (ای کاش)

نذر و نیاز داد به هر درویش را (حرف اضافه)

بعد سه روز و سه شب حیران و زار

هر کاری پرای آن طوطی می کرد (می نمود آن مرغ را هرگون شکفت،

جوتی ای سر برهنہ می گذشت

طوطی اندر گفت آمد در زمان

تمثیل و نماد انسان‌هایی که و پراساس می کنند

خوش نوایی، سبز گویا طوطی ای

نکتہ گفتے با همه سوداگران

امروزہ: بداندیشان و نابکاران

در نوامی طویان حاذق بدے

شیشہ های روغن گل را برینخت

پسوند شباهت

بر دکان بنشست فارغ، خواجہ اش

(۱) کچل (۲) کنگ

بر سرش زد، گشت طوطی کل ز ضرب

مرد بقال از ندامت آہ کرد

ک: محرومیت و نگون پختی

(کافق) نعمت شد زیر میخ

چون زدم من بر سر آن خوش زبان»

تا بسیاد نطق مرغ خویش را نشانی مفعول (حرف اضافه)

بر دکان بنشست بد نومیدوار

به سخن آید

تا کہ باشد کاندر (آید او به گفت)

(۱) نوعی ظرف (۲) پی‌مو

با سربی مو، چو پشت طاس و طشت

بانگ بر درویش زد کہ: هی، فلان!

۱) وجود تفاوت در پدیده‌هایی که هم هستند = از **سنجش** و و **سطحی نگری** پدید

۲) حذر از شناخت افراد بر پایه‌ی معیارهای **ظاهری** و نیز دوستی با انسان‌های **بد ذات** و **شیطان صفت**

۱۴۶- کدام دو بیت با یکدیگر تناسب معنایی دارند؟

- | | | | |
|----------------------------|----------------------------|---------------------------------|------------------------------|
| الف - نکرند رغبت هنرپروران | ب - بزرگان روشن دل نیک بخت | ج - بزرگان، مسافر به جان پرورند | د - خنک آن که آسایش مرد و زن |
| ب - نکرند رغبت هنرپروران | ب - بزرگان روشن دل نیک بخت | ب - بزرگان، مسافر به جان پرورند | د - خنک آن که آسایش مرد و زن |
| الف - نکرند رغبت هنرپروران | ب - بزرگان روشن دل نیک بخت | ب - بزرگان، مسافر به جان پرورند | د - خنک آن که آسایش مرد و زن |
| الف - نکرند رغبت هنرپروران | ب - بزرگان روشن دل نیک بخت | ب - بزرگان، مسافر به جان پرورند | د - خنک آن که آسایش مرد و زن |

۱۴۷- مفهوم کلی کدام بیت متفاوت با سایر ابیات است؟

- | | | | |
|--------------------------------|--------------------------------|------------------------------|---------------------------|
| ۱) زبر دست چون سر برآرد به چنگ | ۲) هر آن کس که باشد مرا زبردست | ۳) ببخشای بر زبردستان به مهر | ۴) دل زبردستان ما شاد باد |
| ۱) زبر دست چون سر برآرد به چنگ | ۲) هر آن کس که باشد مرا زبردست | ۳) ببخشای بر زبردستان به مهر | ۴) دل زبردستان ما شاد باد |
| ۱) زبر دست چون سر برآرد به چنگ | ۲) هر آن کس که باشد مرا زبردست | ۳) ببخشای بر زبردستان به مهر | ۴) دل زبردستان ما شاد باد |
| ۱) زبر دست چون سر برآرد به چنگ | ۲) هر آن کس که باشد مرا زبردست | ۳) ببخشای بر زبردستان به مهر | ۴) دل زبردستان ما شاد باد |

۱۵) از چه اے گل، با کلان آمیختی؟ ^{قضاوتی بر مبنای ظاهر}
 تو مگر از شیشه روغن ریختی؟! ^{مرجع طوطی است}

از قیاس خنده آمد خلق را ^{با خودت مقایسه (نکن)}
 کار پاکان را قیاس از خود گیر ^{نکوهش سطحی نگری و شتاب زدگی در}

کاو چون خود پنداشت صاحب دل را ^{چیان}
 گر چه ماند در بنش ^{شیر} و ^{شیر} ^(از نوشیدنی‌ها)

جمله عالم زین سبب گمراه شد
 هر دو گون زبور خوردند از محس ^{نوع =}

زین کی سرگین شد و زان مشک ناب
 هر دو گون آهو گیا خوردند و آب

این کیه خالی و آن پر از شکر
 هر دو نی خوردند از یک آبخور

۰
 قفسه

فرقان هفتاد ساله راه بین [ظاهر و باطن]

پس به هر دستی نشاید داد دست

ک: دوستی کردن
 مثنوی معنوی، دفتر اول، مولوی

انسان‌های متظاهر و ریاکار

۱۴۸- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟

«دیگر در چهره‌ها آثار نشاط و شادی دیده نمی‌شود مثل اینکه دستی بی‌رحمانه همه گل‌های شادی را از مزرعه لب‌ها چیده است.»

(۲) نهاد - نهاد - مضاف‌الیه

(۱) نهاد - نهاد - مفعول

(۴) مفعول - مسند - مفعول

(۳) مسند - مفعول - مضاف‌الیه

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ معادل معنایی واژگان زیر را از متن درس بیابید.

■ ابر (.....)

■ آسوده (.....)

■ چیره دست (.....)

■ مردان کامل (.....)

۲ درباره کاربرد کلمه «را» در بیت زیر توضیح دهید.

هدیه‌ها می‌داد هر درویش را تا بیابد نطق مرغ خویش را

۳ درباره تحول معنایی کلمه «سوداگران» توضیح دهید.

۴ پسوند «وش» در کلمه «خواجه وش» به چه معناست؟ دو واژه دیگر که این پسوند را دارا باشند، بنویسید.

قلمرو ادبی

۱ کنایه‌ها را در بیت هشتم بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

۲ مؤثرترین شیوه‌ای که مولوی در «مثنوی معنوی» از آن بهره می‌گیرد، «**تمثیل**» است. تمثیل

به معنای «تشبیه کردن» و «مَثَل آوردن» است و در اصطلاح ادبی، آن است که شاعر یا نویسنده برای تأیید و تأکید بر سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را بیان کند

تا مفاهیم ذهنی خود را آسان‌تر به خواننده انتقال دهد.

■ اکنون ارتباط محتوای این درس را با تمثیل به کار گرفته شده، توضیح دهید.

۳ در بیت ششم درس، کلمات «چرب» و «ضرب» در یک حرف اختلاف دارند و آرایه

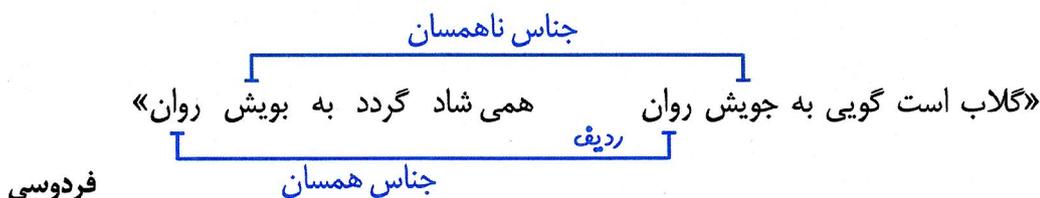
«**جناس ناهمسان**» (**ناقص**) را دربردارند. کلماتی نظیر «روان» (روح) و روان (جاری) که

جز معنی، هیچ‌گونه تفاوتی از دید آوایی و نوشتاری با هم ندارند، «**جناس همسان**» (**تام**) را

پدیدمی‌آورند؛ مثال:

۱۴۹- در کدام بیت حذف فعل صورت گرفته است؟

- | | |
|------------------------------|--------------------------------|
| (۱) مترس از محبت که خاکت کند | (۲) یکی قطره باران ز ابری چکید |
| (۳) عبادت به اخلاص نیت نکوست | (۴) به نام خدایی که جان آفرید |
- که باقی شوی گر هلاکت کند
خجل شد چو پهنای دریا بدید
وگر نه چه آید ز بی مغز پوست؟
سخن گفتن اندر زبان آفرید



■ از متن درس، نمونه‌هایی برای انواع جناس بیابید.

قلمرو فکری

- ۱ بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟
هر دو نی خوردند از یک آبخور این یکی خالی و آن پُر از شکر
 - ۲ مولوی در بیت زیر، آدمی را از چه چیزی برحذر می‌دارد؟
چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست
 - ۳ استنباط خود را از شعر زیر بنویسید و آن را با داستان «طوطی و بقال» بسنجید.
معرفت زین جا تفاوت یافته است این یکی محراب و آن بت یافته است
- M.M
- چون بتابد آفتاب معرفت از سپهر این ره عالی صفت
هر یکی بینا شود بر قدر خویش باز یابد در حقیقت صدر خویش
- ۴ انسان‌ها بر اساس ظرفیت درونی خود به شناخت حقیقت دست می‌یابند

عطار

- ۱۵۰- بیت «کار پاکان را قیاس از خود مگیر
- | | |
|--|---|
| (۱) می‌کند کان بدخشان را به برگ لاله یاد | گر چه باشد در نبشتن شیر و شیر» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟ |
| (۲) جوهر عشق ز پیشانی عاشق گویاست | بر سر خاک شهیدان هر که می‌آرد چراغ |
| (۳) هر تهی مغزی ندارد جوهر میدان فقر | نشود سوختگی سرمه گویایی شمع |
| (۴) ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد | کز تهی دستی زند در جان خود آتش چنار |
| | چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا |

(۱) **بزرگواری و پرخورد نیک در پراپد بدی و اهانت**

(۲) و ، (نعکاس) و هستند.

(۳) امید به تأثیر مثبت با اخلاق و رفتار پسندیده

گنج حکمت کوزه

پر خورد کرد

روزی حضرت عیسی روح الله می گذشت. ابلهی با وی دچار شد و از حضرت عیسی سخنی پرسید؛ بر سبیل تلف جوابش باز داد و آن شخص مسلم نداشت و آغاز عربده و سفاهت نهاد. چندان که او نفرین می کرد، عیسی تحسین می نمود.

عزیزی بدان جا رسید؛ گفت: «ای روح الله، چرا زبون این ناکس شده‌ای و (هر چند او قهر می کند، تو لطف می فرمایی و با آنکه او جور و جفا پیش می برد،

تو مهر و وفا بیش می نمایی؟».

عیسی گفت: «ای رفیق، اکل

اناء یترشح بما فیه، از کوزه همان برون تراود که در اوست؛ از او آن صفت می زاید و از من این صورت می آید. من از وی در غضب نمی شوم و او از من صاحب ادب می شود. من از سخن او جاهل نمی گردم و او از خلق و خوی من عاقل می گردد».



اخلاق محسنی،

حسین واعظ کاشفی